

بررسی عوامل سقوط و قتل عبدالحسین تیمورتاش

سید حمید فخر جعفری

دانشجوی مقطع دکتری تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

hamidfakhr1354@gmail.com

امید سپهری راد (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

Omid_sepehri@yahoo.com

ابوالحسن مبین

استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۲۰ شماره ۷۶ بهار ۱۴۰۴ صفحه ۹۲-۶۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۸

چکیده

تاریخ معاصر ایران شاهد ظهور و سقوط چهره های سیاسی همچون عبدالحسین خان تیمورتاش بوده است. پهلوی اول بعد از مسلط شدن بر اوضاع، تصمیم به برکناری و حذف نخبگان سیاسی از عرصه ی قدرت گرفت. یکی از این نخبگان تیمورتاش وزیر دربار بود، که به عنوان شخص دوم مملکت، نقش بسیار موثری در تأسیس سلسله ی پهلوی داشت. رضا شاه فرمان عزل و در نهایت قتل او را صادر کرد. موضوع قتل تیمورتاش پس از سالها هنوز قابل بررسی است. مجموعه ای از علل باعث عزل و قتل تیمورتاش گردید، که می توان به بدخواهی و حسادت افرادی همچون: تقی زاده و فروغی و ... که با افزایش روز افزون قدرت وزیر دربار دچار مخالفت بودند. همچنین موضوع رشوه، سخن چینی و پرونده سازی شهربانی، اتهام جاسوسی برای شوروی ها و توطئه ی انگلیسیها، نگاه تیمورتاش به شرق، در مجموع باعث سقوط و قتل تیمورتاش شد. نقش بعضی از عوامل نسبت به برخی دیگر، برجسته تر است و اهمیت هر یک از این عوامل، قابل چشم پوشی نیست. نگارنده این پژوهش در صدد است که با استفاده از روش تحقیق تاریخی که مبتنی بر توصیف و تحلیل رویدادها است و با بهره گیری از منابع تاریخی دوره پهلوی، عوامل سقوط و قتل تیمورتاش را واکاوی نماید.

کلید واژه ها: رضا شاه پهلوی، وزیر دربار، عوامل داخلی و خارجی، فرضیه ها، قتل تیمورتاش.

عبدالحسین خان ملقب به (معزالمک، سردار معظم خراسانی) فرزند کریم دادخان، متولد سال (۱۲۵۸/۱۲۶۰ق - ۱۳۱۲ش) از خوانین نردین شمال خراسان و پیشکار مخصوص یار محمد خان (سهم الدوله) بود. عبدالحسین خان با سفارش های ارفع الدوله (وزیر مختار ایران در روسیه تزاری) و صلاح‌الدید پدر تحصیلات خود را در مدرسه نیکلای روسیه به اتمام رساند. تیمورتاش ملقب (سردار معظم خراسانی) به زبان روسی، زبان های آلمانی، ترکی استانبولی، انگلیسی و فرانسه مسلط و از ذوق ادبی بالایی برخوردار بود. بازگشت عبدالحسین خان به ایران مقارن با نهضت مشروطیت بود، سردار معظم خراسانی با بهره‌گیری از ذکاوت ذاتی و شم سیاسی قوی و حمایت‌های پدر به حکومت منطقه جوین (سبزوار) رسید و کار مترجمی در وزارت خارجه را ادامه داد، سپس با خاندان خازن الملک (نیرالدوله) والی خراسان، وصلت نمود و وارد بازی سیاست ایران شد و به وکالت مجلس شورای ملی در ادوار دوم تا نهم رسید. سردار معظم خراسانی در خلع سلاح مجاهدین در قضیه پارک اتابک و در ظهور و سقوط دولتهای مستوفی الممالک و مشیرالدوله و قوام السلطنه نقش بسزایی داشت. او را یکی از تاثیر گذارترین رجال در دوران گذار سیاست ایران از دودمان قاجاریه به دودمان پهلوی می‌توان نام برد. تیمورتاش وزیر دربار رضا شاه در نیمه ی نخست دهه ی اول سلطنت رضا شاه یکی از چهره های تاثیر گذار در تاسیس سلطنت در قامت وزیر دربار با اختیارات تام است. به استناد قول مخبرالسلطنه هدایت که شاه گفته بود "قول تیمور، قول من است" (هدایت، ۱۳۷۵). در زندگی سیاسی و سیر ترقی پلکان قدرت از حکومت کرمان تا وزیر دربار به عنوان نفر دوم مملکت مصدر رخدادهای بسیاری همچون نهضت مدرنیزاسیون ایران نوین، ایجاد سازمانها و ادارات دولتی طبق مظاهر تمدن های غربی، می باشد. همچنین در أخذ سجل، لغو کاپیتولاسیون، تدوین قوانین جزایی و آیین دادرسی نقش داشته است. تیمورتاش با سمت وزیر دربار با حمایت‌های نصرت الدوله فیروز و داور و همچنین مجلس شورای ملی که (مهمترین دستاورد نهضت مشروطیت ایران) وظیفه داشت تا قوانین مدنظر دربار و شاه را برآورده سازد. این قوانین مشتمل بر: خدمت نظام وظیفه اجباری، کلاه پهلوی، افتتاح بانک ملی و انحصار نشراسکناس پول

ملی، حل منازعات مرزی با همسایگانی چون: ترکیه، عراق، افغانستان بود. از طرفی هم مامور شده بود تا موضوع نفت در قرارداد داری و مسئله حاکمیت ایران در خلیج فارس بر جزایر سه گانه ی ایرانی و بحرین با انگلیسیها، را حل و فصل نماید. سخن چینی و بدخواهی، فزونی قدرت طلبی شخص تیمورتاش، رشوه خواری تا اتهام جاسوسی برای شوروی ها و توطئه انگلیسی ها و خشم و سوء ظن رضا شاه، عواملی که باعث محبوس شدن او در زندان قصر دخمه (شماره ۴) به شمار می روند. سرانجام؛ با تزریق آمپول هوا به وسیله پزشک احمدی مرگ او رقم خورد (پورشالچی، ۱۳۸۴). موضوع سقوط و قتل تیمورتاش هر چند توجه بسیاری از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران را به خود جلب کرده است و با وجود تحقیقات فراوان صورت گرفته در طی چندین دهه گذشته هنوز سبب اصلی این رخداد به طور جامع و کامل مشخص نشده است. بر همین اساس پژوهش حاضر می کوشد که با تکیه بر منابع و مآخذ موجود، به تحلیل تاریخی و بررسی فرضیه های مهم مطرح شده در این خصوص پردازد. از این رو نگارنده این مقاله بر آن است تا با مطالعه ی کتابخانه ای، عوامل سقوط و قتل تیمورتاش را علاوه بر ابعاد مختلف شخصیت وی و تأثیرگذاری های ایشان در تاریخ معاصر ایران، بررسی نماید .

پیشینه ی تحقیق

موضوع سقوط و قتل تیمورتاش و نقشی که در دوره رضا شاه داشته است، در کانون توجه نویسندگان، مورخان و پژوهشگران بوده، و راجع به این مسئله، پژوهش هایی در سالهای قبل به ترتیب زمانی از گذشته تاکنون در این زمینه انجام گرفته است. کتاب تیمورتاش در صحنه سیاست ایران، تالیف عاقلی به سال ۱۳۷۷ که به شرح زندگانی سیاسی تیمورتاش و علل سقوط و قتل تیمورتاش می پردازد (عاقلی، ۱۳۷۷). در کتابی تحت عنوان "صعود و سقوط تیمورتاش" تالیف شیخ الاسلامی به سال ۱۳۷۹ که به بررسی اسناد معتبر خارجی و حقایق این اسناد و گزارشها پرداخته است (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹). در پژوهشی دیگر توسط محمدی تحت عنوان "تیمورتاش و رضا شاه تاملی در علل صعود و سقوط تیمورتاش" به سال ۱۳۸۸ علل سقوط و قتل تیمورتاش را از پنج منظر مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد (محمدی، پاییز ۱۳۸۸)

۱ قاضیه نفت

۲ ترس از برچیده شدن سلطنت

۳ دوستی و معاشرت با وکیل الملک دیبا

۴ توطئه دوستان و رقیبان

۵ رشوه گیری و فساد مالی

در پژوهشی که متولی حقیقی تحت عنوان "تاملی در رفتارهای سیاسی و فرجام کار عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار رضا شاه" به سال ۱۳۸۸ زندگانی تیمورتاش را از جنبه علل داخلی و خارجی، در عزل و قتل تیمورتاش را مورد کنکاش قرار داده است (حقیقی، زمستان ۱۳۸۸). در مطالعه ای دیگر که توسط زرگری نژاد تحت عنوان "تیمورتاش: قربانی منافع ایران در خلیج فارس" به سال ۱۳۸۴ به نقش کشورهای انگلیس و شوروی در سهم خواهی از منابع نفتی و... می پردازد (زرگری. نژاد، ۱۳۸۴). در این پژوهش سعی شده، با تکیه بر اسناد و منابع و مآخذ، خاطرات رجال، روزنامه ها و ... به نظرها و فرضیه های مهم مرتبط با قتل تیمورتاش پرداخته و در ذیل فرضیه ها، سلسله ی عوامل داخلی و خارجی سقوط وزیر دربار، مورد کنکاش و بررسی قرار می گیرد.

فرضیه های عزل و قتل تیمورتاش

عوامل داخلی

اول: سوءظن رضا شاه و قدرت طلبی تیمورتاش

تیمورتاش از با نفوذترین رجال سیاسی ایران در دوران رضا شاه است و در طی دهه ی اول سلطنت به عنوان مقتدرترین شخصیت ایران، به شمار می رفت. فرآیند این دوران، در یک جمله خلاصه می شود؛ نقل قولی از رضا شاه که گفته "قول تیمور، قول من است" (آوری، ۱۳۷۷؛ هدایت، ۱۳۷۵). به طور مسلم بعد از رضا شاه دومین مقام حکومتی بود، همین موضوع یادآور سنت وزیرکشی در دوران تاریخ شاهنشاهی ایران است و رابطه ی تیمورتاش با رضا شاه نیز از این قاعده مستثنی نیست. چنانکه کلایو در گزارش محرمانه خود به لندن می نویسد: رضا شاه، تصمیم دارد کشورش را کاملاً مستقل و خودکفا سازد که از شخص تیمورتاش، الهام می گیرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹؛ معتضد،

۱۳۸۵). تیمورتاش، در سالهای اولیه حکومت پهلوی نقش خود را به خوبی ایفاء و در جلسات هیات دولت شرکت می کرد و اعضای هیات دولت، گفته ها و عقاید او را متن اراده شاه می دانستند. در تمام امور به جزء ارتش و وزارت جنگ تیمورتاش در صدر امور بود(دشتی، ۱۳۵۴؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹). این خود نشانگر جایگاه تیمورتاش قبل از سقوط، در سیاستهای دوران رضا شاه بود که بر اساس مدرن کردن ایران در کالبد ملی گرایی ایرانی به دست اشخاصی همچون: مثلث قدرت(داور، فیروز و تیمورتاش) پی ریزی و پیگیری می شد(مهدوی، ۱۳۷۸). این گروه مثلث قدرت، از جوانان تحصیل کرده در فرنگ، که تازه به ایران بازگشته بودند تشکیل شده بود. در خصوص آتیه مملکت طی جلساتی از سردار سپه حمایت می کردند و در به قدرت رسیدن او نقش موثری داشتند. آنان عقیده داشتند بازسازی و ترقی ایران در سایه یک دیکتاتور چماق به دست مصلح، امکانپذیر است و رفته رفته بعد از تثبیت وضعیت، رضا شاه را کنار گذاشته و خود سر رشته امور را به دست خواهند گرفت، چرا که رضا شاه را فردی عامی، بی سواد می دانستند(عامری، ۱۳۸۸). سقوط فیروز، اولین نشان شوم برای تیمورتاش در سرایشی قدرت بود که دامنگیر دیگر اطرافیان، چون دیبا نیز شد که او نیز به زندان افتاد و مقتول گردید(فلاح.زاده، ۱۳۹۱). رضا شاه گمان می کرد، تیمورتاش می خواهد اساس سلطنت را در ایران برچیند و خود را به مقامی برساند که دیگر مافوق نداشته باشد(مکی، ۱۳۶۲-۱۳۶۱).

تیمورتاش در سالهای آخر وزارتش بود که رضا شاه نسبت به زد و بندهای پنهانی وی با شوروی ها مشکوک شد و در همان زمان، یکی از مقامات شوروی(باژانف) تیمورتاش را جاسوس شوروی ها خطاب نمود(زرنیسکی، ۱۳۸۳؛ کرونین، ۱۳۸۴). رضا شاه نزد تقی زاده چنین می گوید: (چطور می شود؛ آدم این قدر بیشراف باشد. تیمورتاش می خواسته پسر مرا از بین ببرد، این پدر سوخته چه خیالاتی در سر داشته است!)(تقی.زاده، ۱۳۷۹؛ دشتی، ۱۳۵۴). سفیر وقت آلمان نیز در خاطراتش چنین می نویسد: شایعاتی مبنی بر از بین بردن ولیعهد؛ توسط تیمورتاش، در ذهن شکاک پهلوی نقش می بست(بلوشر، ۱۳۶۹). سردار اسعد نیز؛ در کتاب خاطراتش، از سوءظن شاه به تیمورتاش، برای جاسوسی انگلیسی ها می گوید(افشار، ۱۳۷۸). تقی زاده از همکاران تیمورتاش در سیاست

بود. دلیل خشم رضا شاه را نسبت به تیمورتاش بدبینی شدید شاه می دانست که فکر می کرد بعد از مرگش، تیمورتاش درصدد حذف (محمدرضا ولیعهد ۱۳ ساله) است. همان کاری که خودش با احمدشاه جوان نمود. شاه به همین دلیل با تیمورتاش خیلی بد شد و پیوسته از او بد می گفت. هرچند تقی زاده، تیمورتاش را فردی بیگناه می داند، و بیان می کند در حق او ظلم بزرگی مرتکب شده اند (تقی زاده، ۱۳۷۳). ماجرای الغای قرارداد داری و پرونده نفت، باعث سوء ظن؛ بیشتر رضا شاه نسبت به تیمورتاش شد تا آنجا که تقی زاده نقل می کند: (میان فروغی و من بر سر اینکه بدانیم نظر، انگلیسی ها چیست بحث بود و اینکه آیا انگلیسی ها از حادثه انداختن پرونده در بخاری توسط شاه خبردار بودند؟ که تیمورتاش گفت: تعجبی ندارد و رئیس الوزرای ما که پیر است و چانه اش لق، سردار اسعد وزیر جنگ برادرش عضو کلوپ ایران با انگلیسی ها حشر و نشر دائم دارد. وقتی خبر به رضا شاه رسید. این جرقه باعث سوءظن شاه به تیمورتاش شد (تقی زاده، ۱۳۷۳).

دوم: تیمورتاش و دسیسه های مخالفانش

تیمورتاش به محض رسیدن به وزارت دربار در تمامی امور کشور به جزء امور نظامی مداخله می کرد و هیچ کسی بدون اطلاع تیمورتاش کاری را انجام نمی داد. همه وزراء به جزء علی اکبر داور مورد اعتماد او نبودند و در منصب خود اختیاری نداشتند و به نوعی خود را در سایه می دیدند و مترصد فرصتی بودند تا موقعیت تیمورتاش را در نظر شاه، متزلزل کنند. همچنین؛ تیمورتاش در مدت زمان دو یا سه ساله، وکلاهایی که هنوز خیال می کردند می توانند صاحب رای و نظری در سیاست باشند بیرون کرد (دشتی، ۱۳۵۴). از طرفی دخالت تیمورتاش در کارهای وزیرانی مثل تقی زاده (وزیر مالیه) و فروغی (وزیر خارجه) باعث کدورت و دشمنی میان آنها شد. او در تمامی مذاکرات ایران و انگلیس و همچنین مذاکره در موضوع حاکمیت ایران بر بحرین و جزایر دیگر خلیج فارس و موضوع نفت که به وزارت خارجه مربوط میشد به تنهایی تصمیم میگرفت و این روش باعث خصومت بین آنها گردید (احتشامی، ۱۳۷۷). سخن چینی و بدگویی کسانی مثل: تقی زاده، فروغی، نواب و آیرم و همچنین بسیاری از افراد داخلی و خارجی مثل: معتمد السطنه فرخ، ابتهاج که در زیر سایه قدرت تیمورتاش مجال عرض اندام نداشتند (بلوشر، ۱۳۶۹؛ زرگر، ۱۳۷۲؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹؛ طلوعی، ۱۳۷۹؛ عاقلی، ۱۳۹۷). و همچنین حسینقلی نواب در مقام ریاست

هیأت نظارت بانک ملی، لبه ی تیز حملات خود را متوجه تیمورتاش نمودند و صورت جلساتی از تخلفات تیمورتاش و لپیدن بلات آلمانی رییس بانک ملی به شاه گزارش می دادند(عاقلی، ۱۳۹۷). این دستاویزها به رضا شاه کمک زیادی نمود تا اقدام خود را در عزل و قتل تیمورتاش قانونی جلوه دهد. با تمام این تفصیل، به این سوال باید پاسخ داد که چرا رضا شاه در اوج سوءظن به وزیر دربار خود ولیعهد نوجوان و نور دیده اش(محمدرضا) را با تیمورتاش راهی سفر لوزان فرانسه می کند؟ مخالفان تیمورتاش با برکناری او از قدرت از دشمنی با او دست بر داشتند. ولی آیرم همچنان به دشمنی خود ادامه می داد تنها با قتل تیمورتاش آرام گرفت. او با پرونده سازی و خدعه و نیرنگ برای رقیبانش از جمله وزیر دربار می خواست یک تاز میدان باشد. از جمله تیمورتاش را متهم کرد که در مراجعت از اروپا در مسکو با مقامات این کشور ملاقات و مذاکرات سری داشته است، تا ذهن شاه را قبل از ورود تیمورتاش به ایران مشوش نماید(عاقلی، ۱۳۹۷). آنچه را که تقی زاده و بعضی دوستانش از جمله حسین قلی نواب علیه تیمورتاش پرونده سازی و اتهاماتی علیه او ساخته بودند. همگی پوچ و بی اساس بودند(ابتهاج، ۱۳۵۷).

سوم: ترفند رضا شاه در ماجرای امتیازنامه داری

وزیر مختار انگلستان در تهران سر رابرت کلایو، در یکی از گزارش های خود به وزارت خارجه انگلستان می نویسد: (امروز در ایران تصمیم گیرنده حقیقی درباره تمامی مسائل مربوط به سیاست خارجی کشور فقط دو نفر هستند، شاه و تیمورتاش و بقیه فقط مجری، آنها هستند که دستورات و عوامل را اجرا می کنند(شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹). رضا شاه دستور می دهد هیئت وزیران تشکیل شود و صریحا وزیرانی را که نتوانسته بودند، قرار دادی بهتر از شرکت نفت به دست آورند، را مورد سرزنش قرار می دهد. در همان زمان روزنامه ها در سر مقاله های خود تحت عنوان هدیه شاه به مردم ایران، خواستار الغای امتیازنامه داری می شوند، زیرا حفظ منافع کشور از راه مذاکرات امکان نداشت. سه روز بعد روزنامه اطلاعات در مقاله ای تحت عنوان: «الغای امتیازنامه داری» انتشار داد و در روز عید مبعث(۱۶ آذر ۱۳۱۱ش/۱۹۳۲م) تیتیر زد: "اعلیحضرت رضا شاه" از ادامه مذاکرات بی

حاصل با شرکت نفت برآشفته و امتیاز نامه داری، را در آتش انداخته و امتیاز نامه را لغو کرده است (روزنامه. اطلاعات، ۱۳۱۱؛ موحد، ۱۳۸۴).

هر چند انگلستان طی سناریویی مهندسی شده از قبل، تهران را تهدید کرد و حتی؛ چند فروند ناو جنگی به خلیج فارس فرستاد و شکایتی به جامعه ملل کرد. در تاریخ (۱۶ آذر/۱۳۱۱ ش/۱۹۳۲ م) پس از الغای امتیازنامه، وزارت دارایی طی؛ نامه‌ای از کمیسر نفت ایران عیسی خان فیض در لندن خواست چون که دولت، امتیاز نفت را ملغی کرده فوراً از لندن خارج شده و به ایران مراجعت کند. کمیسر نفت با اعلام دریافت تلگراف رمز: به نظردولت مردان تمکین نکرد و آن را علیه منافع و مصالح ایران دانست، و حتی تقاضا کرد که سواد تلگراف (متن نوشته) را وزیرمالیه (تقی‌زاده) به شخص شاه نشان دهد (اداره. کل. آرشیواسنادوموزه. دفتررئیس. جمهور، یعقوب. آژند، ۱۳۷۸). رضا شاه که خود را با مشکلات قرارداد داری (۱۹۳۳ م/۱۳۱۲ ش) به نوعی بین خواسته ملی و فشار شرکت نفت گرفتار می دید، لذا وزیر دربار را سپر بلای این اشتباهش نمود. روزنامه ایران چند روز پس از عزل تیمورتاش، در اول دی ماه در خصوص یادداشت دولت بریتانیا خطاب به شورای جامعه ملل، مطالبی را منتشر نمود. ضمن گزارش دستگیری تیمورتاش خاطرنشان می نماید که شاه از مذاکرات تیمورتاش با شرکت نفت اظهار بی اطلاعی کامل کرده است، پس چرا تیمورتاش را پس از عزل؛ از بین برده است؟ (روزنامه. ایران، ۱۳۰۳).

چهارم: اتهام رشوه و سوء استفاده مالی تیمورتاش

وارد کردن انواع اتهامات به تیمورتاش به منظور سرپوش گذاشتن بر علل اصلی ماجرا بود، این مطلبی است که تقی زاده با وجود خصومت شخصی بر آن صحه می گذارد و می نویسد: اتهام تیمورتاش این بود که از بابت تریاک پول گرفته ولی همه اینها مقدمه برای اعدام او بود (تقی. زاده، ۱۳۷۳). پرونده دزدی و سوء استفاده تیمورتاش، در دادگاهی به ریاست لطفی مورد رسیدگی قرار گرفت که مقارن شد، با پرونده اختلاس لیندن بلات آلمانی (رئیس جدید بانک ملی) که این بانک تازه تاسیس، مورد حمایت شخص تیمورتاش بود. او در آن قضیه متهم شناخته شد. در معامله تریاک به وسیله حاج امین التجار اصفهانی رشوه دریافت کرده بود و در نرخ گذاری بازار سیاه ارز، ریال و پوند دخالت داشت (جانزاده، ۱۳۸۲).

ایراندخت از زبان پدرش می نویسد: یک ماه پس از بازگشت از شمال، هیئت نظارت بانک ملی ضمن بازرسی تراز نامه از بانک، پی به سوء استفاده های متعددی از بانک می شود که من جمله مبالغی لیره به ارزش ۶۰ ریال به نرخ رسمی دولتی خریداری شده و آن را در بازار سیاه به میزان هر لیره ۹۰ ریال به فروش رسانده که به من (تیمورتاش) نسبت دادند (تیمورتاش، ۱۳۲۱). چنانکه تیمورتاش طی؛ نامه ای به لیندن بلات آلمانی رئیس بانک ملی اینها را دسایس ای برای من چیده شده و محرکین آن (تقی زاده و آیرم و نواب) می باشند (تیمورتاش، ۱۳۲۱). سقوط سنگین قیمت نقره و کسری بودجه هنگفت سال، کاهش ارزش قران تا (۲۵ درصد) و تنزل ریال، در زمانی که این مثلث قدرت، امورات مملکت را در قبضه خویش داشتند. جملگی مزید بر علت سقوط و قتل تیمورتاش شده بودند (اعظام قدسی، ۱۳۷۹). از دیگر اتهامات تیمورتاش در دادگاه که به وی منتسب شده است. از قبیل: قرضه ۵۰۰,۰۰۰ ریالی و وثیقه امتیاز نامه خاشاریا که فاقد ارزش ریالی که در بانک، سپرده نموده بود. محاکمه دوم، جلسات دادگاه به صورت علنی برگزار می شود و دادستان دیوان کیفر این بار تیمورتاش را به جرم اخذ رشوه از تاجر نامدار، حاج میرزا حبیب الله امین التجار اصفهانی، مورد تعقیب قضایی قرار می دهد. ریاست دادگاه که با لطفی بود که از دشمنان قسم خورده تیمورتاش قلمداد می شد، در تقابل با احمد خان مقبل (وکیل تیمورتاش) و سه وکیل کار آزموده دیگر که از حاج امین التجار دفاع می کردند، به کار شکنی پرداختند. نامه های تضرع آمیز تیمورتاش به رضا شاه هم در خصوص عفو در روند کاری لطفی، اثرگذار نشد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۱؛ مسعودی، ۱۳۶۹). ادعا نامه دادستانی که با دقت تنظیم شده بود. تیمورتاش متهم به دریافت دو فقره وجه یکی به مبلغ نه هزار لیره انگلیسی و دیگری به مبلغ دویست هزار ریال معادل (بیست هزار تومان) به عنوان رشوه از امین التجار بود، معادل آن به خزانه دولت؛ ضرر زده بود که برخلاف نص صریح قانون در پرداخت رشوه به کارمندان دولت جرم محسوب می شد، در مجموع مبلغ سی هزار تومان از عواید موسسه انحصاری تریاک را از بین برده بود. تیمورتاش مبلغ دریافتی را از امین التجار وام تلقی می کرد که از سود کلان تجارت تریاک به وی قرض داده است. امین التجار اظهار داشت: به تصور اینکه فکر می کرد تیمورتاش آن را به خزانه دولت واریز می کند، حرف تیمورتاش را تکذیب

نمود(شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹). در بحث اتهام رشوه گیری تیمورتاش لازم است چند نکته اساسی مد نظر قرار گیرد:

الف- با توجه هوش و ذکاوت تیمورتاش که مورد تایید همه منابع می باشد، بعید است که مدرکی دال بر اخذ رشوه از امین التجار یا سوء استفاده از بانک ملی از خود به جا بگذارد، تا با استناد آنها او را محکوم کنند. اگر رشوه گرفته شود این کار باید محرمانه انجام شود نه آنکه سندی از برای چنین روزی باقی بماند و هیچ آدم عاقلی به این طریق رشوه نمی گیرد(روزنامه.اطلاعات، ۱۳۱۱؛ مکی، ۱۳۶۲-۱۳۶۱).

ب- تیمورتاش در دادگاه اعتراف کرد که این پول را از امین التجار گرفته ولی نه به عنوان رشوه، بلکه به عنوان قرض و دوستانه و حاجی امین التجار در تحقیق اولیه گفته بود که پرداخت وجه مزبور؛ به عنوان رشوه نبوده بلکه برای ایفای تعهدی بود که نزد آقای تیمورتاش راجع به فروش اسعار(تعیین نرخ ارز) نموده بود(مکی، ۱۳۶۲-۱۳۶۱).

پ- برطبق گفته تقی زاده: (امین التجار از ترس جان خود، مجبور بوده که در حق تیمورتاش نامردی کند و چنین اعترافی را بر زبان آورد(تقی.زاده، ۱۳۷۳).

ت- در منابع مختلف به پرونده سازی نظمیه توسط آیرم و همچنین؛ اشخاصی چون: فروغی، نواب، تقی زاده اشاره شده است. خود تیمورتاش نیز در یاد داشتهای خصوصی اش چنین آورده است، من(تیمورتاش) خوب می دانم که هیچ وقت اسعار خارجی از بانک ملی نه به نرخ روز، نه به نرخ گرانتر و ارزانتر از آن نخریده ام اگر میتوانستم در برابر یک محکمه بیطرف حاضر شوم نه تنها کذب این مدعا را ثابت کرده، بلکه کلک تقی زاده و نواب و دست مرموزی که سرنخ آنها را در دست دارد، به دنیا نشان داده و مفتضح می ساختم(مکی، ۱۳۶۲-۱۳۶۱).

پنجم: پرونده سازی نظمیه علیه تیمورتاش

پرونده سازی نظمیه رضا شاهی، در دوره درگاهی(۱۳۰۷ش/۱۹۲۸م) علیه تیمورتاش، مسبوق به سابقه بود. به ویژه؛ آنکه سرتیپ درگاهی رئیس کل شهربانی از دوران گذشته(قاجار) با نصرت الدوله فیروز از شاهزادگان قجری، دشمنی آشکار داشت و حتی؛ با تیمورتاش نیز بر سر قدرت نمایی چنگ و دندان نشان می داد. درگاهی طی؛ گزارشهای ساختگی که به شاه تقدیم می نمود،

سوءظن رضا شاه را نسبت به تیمورتاش و اطرافیانش را بر می انگیزد. او که در اوج قدرت، نفوذش از تیمورتاش نیز بیشتر بود و به پشتیبانی بی دریغ رضا شاه وابستگی تام داشت. چنانکه شرحی از پرونده‌سازیه‌های درگاهی را ملک الشعرا بهار در جلد دوم تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران چنین آورده است: به نقل از وی (...ظاهراً محمد چاقو (لقب درگاهی) با نزدیکترین افراد رضا شاه مانند: تیمورتاش نیز عداوت می ورزید، شاه از وضع کار، او آگاهی داشت تا جایی که روزی درگاهی، را احضار و رک به او گفت: من بعد، با تیمور دوست باش)) (بهار، ۱۳۷۷؛ موجد، ۱۳۸۴). آیرم (رئیس شهربانی وقت) با پرونده سازی و پاپوش دوختن علیه تیمورتاش، سعی در مسموم نمودن ذهن رضا شاه در متهم نمودن تیمورتاش به مذاکرات سری با سران مسکو داشت، طبق اسناد موجود قتل تیمورتاش و سردار اسعد و عده ای دیگر در زندان، با دستور آیرم؛ این جنایات و پرونده سازی ها صورت گرفته است (مکی، ۱۳۶۲-۱۳۶۱). آیرم، در (۲۵ اسفند ۱۳۱۱ ش/ ۱۹۳۲ م) با جشن و پایکوبی به مناسبت تولد رضا شاه، کاروان بزرگ شادی، در تهران به راه انداخت تا محاکمه تیمورتاش را تحت شعاع قرار دهد .

آیرم با حضور در منزل تیمورتاش او را دستگیر و اموالش را توقیف می نماید. با توقیف همه اموال خانواده تیمورتاش، عملاً خانواده او دچار سختی های فراوانی شدند (گلشائیان، ۱۳۷۷؛ مجد، ۱۳۹۹). جدول شماره (۱): عوامل موثر داخلی در قتل تیمورتاش

عنوان محتوای فرضیه عوامل داخلی طرفداران و اشاعه دهندگان

سوء ظن رضا شاه و قدرت طلبی تیمورتاش رضا شاه دچار بیماری سوء ظن بود، تیمورتاش ولیعهد جوان را از بین خواهد برد و خودش جانشین شاه می شود. تیمورتاش در تمامی مسائل کشور دخالت میکرد با تشکیل مثلث قدرت (داور و فیروز و تیمورتاش) در صدد بودند که پس از تثبیت قدرت رضا شاه را کنار بگذارند. بلوشر- سردار اسعد بختیاری

از نویسندگان اخیر: همایون کاتوزیان - جان فوران

تیمورتاش و دسیسه مخالفان با مداخلات تیمورتاش در امور وزراء و وکلاء آنها مناصب خود را در سایه می دیدند و در صدد توطئه برآمدند تا منصب وزیر دربار را در نزد شاه متزلزل کنند. دسیسه

های فروغی و تقی زاده در نهایت گزارشهای نواب و آیرم ضربه نهایی را بر پیکره تیمورتاش وارد ساخت. عبدالحسین خان تیمورتاش در یادداشت‌های خصوصی - ایراندخت تیمورتاش - مکی - بلوشر - از نویسندگان اخیر: زرگر - شیخ الاسلامی - عاقلی - طلوعی

ترفند رضا شاه در ماجرای امتیازنامه داریی توفیق نیافتن تیمورتاش در حل نفت و لغو قرارداد و انداختن آن در بخاری مزید بر علت شد. رضا شاه که خود را با مشکلات قرارداد داریی به نوعی بین (خواسته ملی و فشار شرکت نفت) گرفتار می دید لذا وزیر دربار را سپر بلای خودش نمود. مخبرالسلطنه هدایت

از نویسندگان اخیر: زرگر - شیخ الاسلامی

رشوه و سوءاستفاده مالی وارد کردن اتهام مالی به تیمورتاش برای فریب افکار عمومی بود. رسیدگی به پرونده اتهامی تیمورتاش توسط لطفی که از دشمنانش بود. گرفتن رشوه از امین التجار اصفهانی و سوءاستفاده بانکی از جمله دریافت ارز دولتی و فروش به نرخ آزاد. عبدالحسین خان تیمورتاش

در یادداشت‌های خصوصی

اعظام قدسی - حسینقلی نواب

پرونده سازی نظمی علیه تیمورتاش آیرم با پرونده سازی برای رقیبانش از جمله تیمورتاش درصدد آن بود که آن افراد را از اطراف شاه دور کند و خودش یک تاز میدان باشد. تیمورتاش در یادداشت‌های خصوصی اش (تقی زاده و نواب و آیرم) را عامل نشر اکاذیب و جاعل پرونده ها، علیه خودش معرفی کرده است. عبدالحسین تیمورتاش در یادداشت‌های خصوصی - درگاهی - آیرم -

تقی زاده - حسینقلی نواب

عوامل خارجی:

فرضیه های عزل و قتل

اول: توطئه انگلیسیها برای نابودی تیمورتاش

مذاکرات نفت؛ ایران و انگلیس و عدم دسترسی به نتیجه مشخص و مطلوب که تیمورتاش به عنوان نماینده اصلی ایران، در آن مذاکرات بود که در اثر سخت گیری ها، هر دو طرف کوتاه نیامدند.

تیمورتاش در مدت شش سال که به طور جدی مذاکرات دیپلماتیک با مقامات انگلیسی داشت، نتیجه چندانی در کارنامه سیاسی خود به دست نیاورد. تیمورتاش در نظر داشت سهم ایران از بابت فروش نفت از (۱۶ درصد) به منافع خالص (۲۵ درصد) برساند، اما سر جان کدمن و دیگر اعضای هیات مدیره شرکت نفت زیر بار این خواسته تیمورتاش نرفتند (زرگری. نژاد، ۱۳۸۴). مذاکرات فیما بین تیمورتاش و شرکت نفت انگلیس نزدیک دو ماه طول کشید و تا آنجا پیش رفت که حوصله رضا شاه سر رفت و به تیمورتاش اطلاع داد که مذاکرات را رها کن و برگرد (بهنود، ۱۳۸۰). مصطفی فاتح که خود از نزدیک شاهد و ناظر مذاکرات فی ما بین تیمورتاش با طرف انگلیسی بوده، در کتاب خود (پنجاه سال نفت) در این باره می نویسد: در تمام مذاکراتی که در تهران بین وزیر دربار و مدیر شرکت نفت صورت می گرفت من حاضر بودم که تیمورتاش نه تنها با جدیت درصدد استیفای حقوق ایران بود، بلکه عجله هم در این کار داشت و هیچگاه قصد تعویق کار را نداشت (فاتح، ۱۳۵۸).

سختگیری های تیمورتاش در سیاست خارجی سبب شد، سوء ظنی برای انگلیسیها نسبت به گرایشهای تیمورتاش، در موضوعاتی چون: بحرین، خلیج فارس، جزایر سه گانه... به وجود آید. معاون وزیر خارجه بریتانیا معتقد بود، مهمترین گرفتاری انگلستان، شخص وزیر دربار است (محمود، ۱۳۶۰). مقاومت فزاینده تیمورتاش و مخالفت جدی وی با سیاست انگلیسیها در باب اروندرود و تاکید بر تعلق بحرین و جزایر تنب بزرگ و کوچک و بوموسی به ایران و همچنین؛ سر سختی او در برابر انگلیسیها در باب شرط تمدید امتیاز نفت داری باعث شد، انگلیسیها تیمورتاش را از طریق (باژانف و آقابگف) به جاسوسی برای شوروی متهم سازند، و با تلقین این مطلب به شاه موجب عزل و قتل او را فراهم سازند (زرگری. نژاد، ۱۳۸۲). گرچه در همان بدو عزل وی هیچگونه توضیح قطعی درباره بر کناری تیمورتاش داده نشد، ولی به نظر می رسد به تناسب زیاد شدن قدرت دیکتاتوری شاه، بر قدرت تیمورتاش نیز افزوده می شد و پیامد این افزایش قدرت، با تحت نظر گرفتن شدید روزنامه ها و مطبوعات، گرفتن حق انتقاد از وکلای مجلس، انتخابات فرمایشی خود زمینه سقوط را فراهم می کرد (زرگری. نژاد، ۱۳۸۲).

با توجه به محبوبیتی که تیمورتاش در میان مردم، به خاطر مسایل نفتی برایش پیش آمده بود و چه بسا تیمورتاش در مساله نفت موفق می شد. باز هم از پایگاه محکمی نزد رجال ایرانی به زعم آن برخوردار نبود، لذا رضا شاه او را از صحنه سیاست ایران خارج می ساخت (گلشائیان، ۱۳۷۷). در مقاله ای از یک نویسنده نامشخص (۹ ژانویه ۱۹۳۳ م/ ۱۹ دی ماه ۱۳۱۱ ش) روزنامه تایمز لندن **shah and his advisers-dropping the pilot** منتشر شد که به سن رضا شاه و احتمال مرگش و وضعیت آینده ایران با وجود تیمورتاش قدرتمند و جاه طلب، پرداخته شده بود. این در حکم آخرین میخ بر تابوت زندگی سیاسی تیمورتاش بود که کوبیده شد. هرچند این مقاله شانزده روز بعد از بر کناری تیمورتاش منتشر شد، اما در زمان گرفتار شدن تیمورتاش سفیر انگلیس از خلاء قدرت به وجود آمده در نحوه تصمیم گیری حکومت اظهار نگرانی می کرد و در فقدان تیمورتاش و عدم منطقی روشن دولت ایران در برخورد با مسائل، از وزارت خارجه بریتانیا درخواست عدم درج مطالب درمورد تیمورتاش نمود، تا موجب شک شاه و اقدام شدید علیه منافع بریتانیا نشود. انگلیسیها می خواستند تیمورتاش را از سر راه بردارند تا به اهداف خود برسند، اما خواهان مرگش نبودند (شیخ.الاسلامی، ۱۳۷۹).

رضا شاه در برخورد با روزنامه های انگلیسی روشی دو گانه داشت، زمانی خودش در خوزستان برای سرکوب شیخ خزعل حضور داشت روزنامه رویترز در مورد اقدامات او مقاله ای نوشت، شاه در پاسخ وکلای مجلس گفت: انتشار این اخبار برای تامین منافع انگلیسیها می باشد و عقیده داشت نباید به آن اهمیت داد. اما زمانیکه می خواست عزل تیمورتاش را توجیه کند به مطلب روزنامه تایمز استناد می کرد. شیخ الاسلامی معتقد است: هفتاد درصد سقوط تیمورتاش ناشی از مقاله روزنامه تایمز می باشد (شیخ.الاسلامی، ۱۳۶۰). سر سختی تیمورتاش در مقابل انگلیسیها در مسائلی مانند نفت و سایر منافع ملی ایران، باعث شد تا انگلیسیها با هر حربه ای ذهن شکاک رضا شاه را به این نکته معطوف کنند که با وجود تیمورتاش، آینده حکومت وی و فرزندش تضمینی وجود ندارد (شیخ.الاسلامی، ۱۳۷۹).

دوم: اتهام جاسوسی تیمورتاش برای شوروی ها

درباره اتهام جاسوسی به تیمورتاش برای شوروی به ویژه هنگامیکه تیمورتاش از آخرین سفر اروپا به ایران باز می گشت به استناد دو مامور سابق سرویس مخفی شوروی (ک پ او) تقویت شد. هرچند ادله ای دال بر موضوع جاسوسی برای شوروی ارایه نشد (فردوست، ۱۳۷۱). یکی از ماموران جاسوس شوروی به نام (ژرژسری یویچ آقابگف) که مدتی نیز در ایران خدمت می کرد از ترکیه به فرانسه فرار می کند. افشاگریهای آقابگف باعث کشف شبکه های جاسوسی شوروی، در ایران که موجب می شود افرادی بازداشت شوند. تعداد ۴ نفر به اعدام و حدود ۲۳ نفر به زندانهای ۱۵ سال به پایین محکوم می شوند. مثلاً جاسوس شماره ۴ یکی از کارمندان وزارت فواید عامه نام آورده می شود که با تیمورتاش وزیر دربار، نسبت هم داشته است (آقابگف، ۱۳۵۷؛ باژانف، ۱۳۶۴). درجای دیگر از کتاب آقابگف از مشکلات موجود بین ایران و انگلیس بر سر قضیه نفت سخن به میان آمده است، او می گوید: ما تقریباً از مضمون مذاکرات اطلاع داشتیم، قسمتی از آن از سخنان تیمورتاش با سفیر ما در تهران به دست می آمد و قسمتی دیگر از تفتیش اسناد و مدارک، به غیر از این دو مورد حرفی از جاسوسی تیمورتاش برای شوروی نیامده است. لذا از سخنان آقابگف بر می آید فرضیه جاسوسی تیمورتاش که از طرف وی انتشار یافته، در اصل خودش نیز بی اطلاع بوده است (آقابگف، ۱۳۵۷). باژانف ادعای جاسوسی را در مورد تیمورتاش مطرح می کند، حتی می گوید: مساله جاسوسی تیمورتاش را از طریق فرمانده لشکر خراسان به اطلاع شاه رساندیم وقتی رضا شاه به صحت گفته های ما پی برد، تیمورتاش را از طریق دادگاه نظامی به اتهام خیانت، به مرگ محکوم کرد (باژانف، ۱۳۶۴). زرگری نژاد بر این باور است که آقابگف و باژانف برای انگلیس ها جاسوسی می کردند و انگلیسی ها با فراری دادن آنها، از وجودشان برای افشای جاسوسان شوروی به ویژه تهمت بر تیمورتاش بهره برداری کردند (زرگری، نژاد، ۱۳۸۲). این اتهام در نزد رضا شاه که هراس دیرینه ای از شوروی ها داشت و بررسی صحت و سقم این مساله نیز برایش مقدور نبود باید ادعاهای انگلیسی ها را باور می کرد یا در وحشت به سر می برد، یا با توجه به بدبینی که داشت مخالفان خود را از میان بر می داشت (زرگری، نژاد، ۱۳۸۲). با اینکه انگلیسیها نتوانسته بودند از طریق انتشار مقاله در روزنامه تایمز، سوء ظن شاه را به طور عمیق بر علیه تیمورتاش ایجاد کنند علی اکبر

داور را برای میانجگری تیمورتاش نزد رضا شاه، روانه می کنند و از او می خواهند در این دیدار به مساله اتهام جاسوسی تیمورتاش اشاره کند رضا شاه با حالت غضبناکی او را توبیخ می کند (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹). مخبرالسلطنه هدایت می نویسد: از لندن، خبر رسید که در روزنامه تایمز نوشته اند، اسناد محرمانه گم شده تیمورتاش پیدا شده که نشان می دهد زد و بندهایی با شوروی ها داشته است، راست یا دروغ آن معلوم نشد، من هم از شاه چیزی نشنیدم (هدایت، ۱۳۷۵). کتابهای باژائف و آقابگف در سال (۱۹۳۰م/۱۳۰۸ش) در فرانسه منتشر شد و موضوع جاسوسی تیمورتاش را مطرح کرد و حتی تقی زاده که در خاطراتش عنوان کرده تیمورتاش تربیت شده شوروی ها بوده و همه کارهای خارجی به او رجوع می کردند و او هم آنها را به سرعت انجام می داد (ایوانف، ۱۳۵۶؛ تقی زاده، ۱۳۷۳). طبق منابع شوروی ها، بر کناری تیمورتاش نقشه انگلیسی ها بوده، اما طرفداران جاسوسی تیمورتاش دو دلیل، برای اثبات ادعای خود مطرح می کنند:

۱) کیف حاوی اسناد محرمانه تیمورتاش و مقامات که در مسکو گم شده و بعداً در لندن اعلام شد که کیف پیدا شده است، حاوی مطالبی از ارتباط تیمورتاش با شوروی ها داشته که می توان استنباط کرد؛ انگلیسی ها برای از سر راه برداشتن تیمورتاش، این شایعه را رواج دادند (غنی، ۱۳۸۰؛ هدایت، ۱۳۶۱).

۲) وجود یک دختر (ارمنی) که رفیق تیمورتاش بود و در بین راه از او اوراق محرمانه تیمورتاش، سرقت کرده بود، اما در اصل سازمان جاسوسی انگلیسی ها (اینتلجنس سرویس) از آنها عکسبرداری کرده بود و به رضا شاه تحویل داده بودند (فردوست، ۱۳۷۱؛ مکی، ۱۳۷۵).

حتی موقعی که تیمورتاش زندانی شده بود، کاراخان مقام وزارت خارجه شوروی به ایران آمد و از شاه ایران درخواست وساطت برای آزادی تیمورتاش را نمود که این مطلب، شاه را بدبین و دستور قتل او را صادر کرده است. این نیز از ادعاهایی است که آقابگف بدون هیچ سند و مدرکی ارائه نموده است (مکی، ۱۳۷۵). استناد قتل تیمورتاش به وساطت کاراخان به همان اندازه بی اعتبار است که استناد قتل امیرکبیر به وساطت (وزیر مختار وقت) روسیه نزد ناصرالدین شاه قاجار صورت گرفت. با توجه به تقارن این دو حادثه (سفر کاراخان و قتل تیمورتاش) تا حدود زیادی این فرضیه پذیرفتنی است که با ورود این شخص به ایران که احتمال داشت از شاه تقاضای عفو تیمورتاش را

بنماید. اما وساطت کارخان هم می توانست این باور را در شاه تقویت کند که او جاسوس شوروی است در این صورت رضا شاه هم حاضر به آزادی او نمی شد (زرگری. نژاد، ۱۳۸۲). در این مقطع زمانی، تیمورتاش مانع اصلی دستیابی انگلیسی ها به اهداف خود در ایران بودند. بنابراین رهایی از طرف شوروی اگر تقاضا شده باشد، جای اشکال نداشته حتی؛ نظریه ای همچون، هر شخصی که در روسیه درس خوانده و زبان روسی را می داند و همسر ارمنی تبار دارد حتماً عامل سیاسی شوروی در ایران است نمی تواند دلیل بر جاسوس بودن شخص دانست. حسین فردوست، به شدت تحت تأثیر، این افکار بوده حتی رابطه تیمورتاش با همسر دیبا (بلبل خانم) و صحبت تیمورتاش با ژنرال های شوروی در سفر به این کشور دلیل بر جاسوس بودن او آورده شده است (فردوست، ۱۳۷۱). به روایت ایراندخت تیمورتاش اگر تقاضای عفو و آزادی تیمورتاش، از طرف کارخان درخواست شود، با اعلان مرگ تیمورتاش انگلیسی ها مانع بزرگی که در راه پیشرفت مذاکرات نفت و دیگر مسائل همچون حق حاکمیت ایران بر بحرین یا جزایر تنب کوچک، بزرگ و بوموسی، اروندرود، اعطای تسهیلات برای فرود آمدن هواپیماهای انگلیسی در خاک ایران بود، توانسته بودند از سر راه بر دارند (زرگری. نژاد، ۱۳۸۲). رضا شاه به خاطر کشتن تیمورتاش، از شوروی ها وحشت داشت و هنگامی که خبر حرکت نیروهای آنها به طرف تهران را شنید، وحشت زده گفت، آنها قضیه کارخان را فراموش نکرده اند و انتقام تیمورتاش را از من خواهند گرفت (طلوعی، ۱۳۷۹).

جدول شماره (۲): عوامل موثر خارجی در قتل تیمورتاش

عنوان	محتوای فرضیه عوامل خارجی	طرفداران و اشاعه دهندگان
توطئه انگلیسیها برای نابودی تیمورتاش انگلیسیها	مانع بزرگ نفت برای ازدیاد سهم نفت را از جانب تیمورتاش می دانستند. برای بدنام و بی اعتبار کردن و حذف او از صحنه دست بر ترفندهایی همچون: مقاله روزنامه، ماجرای گم شدن کیف محتوی مطالبی در ارتباط تیمورتاش با شوروی ها	نشر دادند.
	مخبرالسلطنه هدایت	

نویسندگان اخیر: زرگر - شیخ الاسلامی - زرگری نژاد - عاقلی زرگر - طلوعی غنی - بهنود

اتهام جاسوسی تیمورتاش برای شوروی ها اتهام را دو مامور سابق سرویس مخفی شوروی و حسین فردوست مطرح کردند، ولی دلیل و مدرک قانع کننده ای برای اثبات نظریه خود ارائه ندادند. در ارتباط با اتهام جاسوسی تیمورتاش برای شوروی ها الف - اختلاف زمانی در طرح این ادعا.

ب - بافرار باژانف و اعلام جاسوسی تیمورتاش چرا انگلیسیها همان موقع در صدد حذف تیمورتاش برنیامدند. آقابگف - باژانوف

از نویسندگان اخیر : حسین فردوست

زندان و مرگ تیمورتاش:

تیمورتاش به دلیل ابتلاء به فشارخون و حمله قلبی (انفاکتوس) به توصیه پزشکان معالج برای استراحت به سواحل چمخاله در دریای خزر مسافرت کرد. همزمان با اقامت تیمورتاش، درچمخاله یک کشتی بزرگ شوروی در نزدیکی ساحل لنگر انداخت، چنین امری مسبوق به سابقه نبوده موجبات نگرانی حاکم محلی (دیوان بیگی) گردید و این موضوع موجب شد که دستور دهد در پوشش حفظ امنیت محل اقامت تیمورتاش چندین پاسبان گمارده شود، که در حقیقت او را تحت نظر گرفته تا در صورت ترک ایران برخورد لازم را با او انجام شود (دیوان بیگی، ۱۳۴۵).

عصر روز دوم دی ماه رضا شاه به عمارت دربار می رود دستور می دهد که وزارت دربار را منحل کنند، بلافاصله آن قسمت که تیمورتاش در آن کار می کرده برچیده می شود و اثاثیه اتاق را به جای دیگر منتقل می کنند و موقع خروج می گوید: من اصلاً وزیر دربار نمی خواهم تیمور دیگر وزیر دربار من نیست (خواجeh نوری، ۱۳۵۷). با عزل تیمورتاش درخصوص نحوه محاکمه، مستشاران قضایی به اتفاق آراء نظر می دهند، تیمورتاش مصونیت سیاسی پارلمانی دارد. هر شخصی به وکالت انتخاب شود اعم از اینکه مجلس افتتاح شده باشد یا نه، تعقیب تیمورتاش تا افتتاح مجلس نهم، امکان پذیر نیست. متین دفتری که وکیل دادگستری بود، این نظر را به اطلاع شاه می رساند که رضا شاه در جواب می گوید: تا افتتاح مجلس نهم، دست نگه دارید. اما با دسیسه فروغی، که به متین دفتری اطلاع می دهد تفسیری که مستشاران دیوان از مصونیت پارلمانی کرده اند مورد اتفاق حقوقدانان نیست، لذا کمیسیون دیگری تشکیل می شود که مرکب از صدرا لاشراف و تقوی و... می

باشد. کمیسیون بلافاصله، تشکیل و اظهارنظر می نماید. قبل از انقضای مجلس و افتتاح مجلس بعد، مصونیت نماینده نیشابور عبدالحسین خان تیمورتاش فرزند کریم دادخان منتفی می شود و او را تحت تعقیب قرار می گیرد و حکم جلب او را صادر می شود (عاقلی، ۱۳۹۷). تیمورتاش دو ماه تحت نظر قرار می گیرد، دو نفر مامور گماشته می شوند تا تماس او را با دنیای خارج به کلی قطع و مراقب رفتار و گفتار او باشند (تیمورتاش، ۱۳۲۱).

محمد سروری (مدعی العموم دیوان جزای عمال دولت) دستور جلب تیمورتاش را صادر می کند و در روز (۲۹ بهمن ماه ۱۳۱۱ش) ماموران نظمیه نامبرده را به شهربانی انتقال می دهند و پرونده اش را برای مطالعه محتویاتش به او می دهند، از او می خواهند که وکلای خود را معرفی نماید. تیمورتاش هم (سید هاشم وکیل و احمد مقبل) را به عنوان وکلای خود معرفی می نماید (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۱). به دلیل وخامت اوضاع جسمانی و بیماری قلبی تیمورتاش به بیمارستان شهربانی، منتقل می شود. تیمورتاش بعد از مرخصی از بیمارستان، با تکمیل پرونده توسط آیرم، تحت نظر شهربانی جلب و پس از لیست برداری از کلیه اموال و مدارک به زندان نظمیه انتقال می یابد. در جریان محاکمه اول به صورت غیرعلنی که حدود دو ماه طول می کشد دیوان جزا به ریاست لطفی، او را به جرم فریب و کلاهبرداری به سه سال حبس انفرادی، محرومیت از حقوق اجتماعی و رد مبالغی وجه نقد، محکوم می کند (بلوشر، ۱۳۶۹؛ تیمورتاش، ۱۳۲۱؛ عاقلی، ۱۳۹۰). در جریان بازجویی تیمورتاش، سرهنگ عیسی خان لاریجانی به وی می گوید که تمام پرونده سازی ها علیه او توسط حسین قلی نواب صورت گرفته است (معتضد، ۱۳۶۶). رای دادگاه در چهارم تیرماه (۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م) صادر گردید، که به موجب آن تیمورتاش به پنج سال حبس انفرادی و اعاده مبلغ دریافتی به خزانه دولت محکوم گردید. بعد از محاکمه تیمورتاش را با محافظ و پای پیاده همانند؛ جنایتکاران عادی جهت تحقیر نزد افکار عمومی از مسیر دادگاه به زندان در خیابانها عبور دادند (تقی زاده، ۱۳۷۹). بعد از گرفتاری تیمورتاش، کمیسیون مامور شد اسناد او را که در منزلش توقیف شده بود، جزء به جزء بررسی کنند، اسناد و مدارکی دال بر اتهامات باشد به دست نیامد (عاقلی، ۱۳۹۷). به نقل از سردار اسعد بختیاری که می گوید: تیمورتاش معتقد بود رضا شاه،

بدان دلیل، به وسیله سردار اسعد از من دلجویی می کند تا تقی زاده و آیرم وقت بیشتری برای نشر اکاذیب و ساختن پرونده های جعلی لازم داشته باشند (تیمورتاش، ۱۳۲۱). سردار اسعد، شفاعت تیمورتاش را نزد رضا شاه می کند و خدمات گذشته تیمورتاش، را به شاه یادآوری می نماید، اینکه تیمورتاش به خدمت در سفارتی بگمارد که شاه در جوابش می گوید: تیمورتاش را بالاتر از آن می داند، در حقیقت وقتی سردار شاه را در اجرای تصمیمش مصمم می بیند جرأت تکرار در خواستش برای شفاعت را نمی کند (جانزاده، ۱۳۸۲).

دشتی نیز می گوید: بدون اجازه شاه، مبادرت به ملاقات تیمورتاش کرده بودم، که از طرف رضا شاه مورد عتاب قرار گرفتم (دشتی، ۱۳۵۴). تیمورتاش توسط شخص رضا شاه بارها در زندان تا سرحد مرگ کتک مفصلی می خورد و از حال می رود. تنها شکنجه روحی و جسمی در زمان مرگ تیمورتاش در زندان نبود. بلکه شاه دستور می دهد تختخواب، فرش و اثاثیه، را بیرون ببرند و با تیمورتاش همانند جنایتکاران، رفتار کنند (مجدد، ۱۳۹۹).

برخی از زندانیان هم دوره تیمورتاش، در زندان قصر که بعدها از زندان آزاد شدند، از دوران زندانی شدن تیمورتاش چنین یاد می کنند: ما که در بیرون از قساوت قلب تیمورتاش چیزهای زیادی شنیده بودیم، اما او را از همان بدو ورود به زندان زبون و بیچاره دیدیم (عمیدی، نوری، ۱۳۸۱). قتل تیمورتاش در میان قتل های سیاسی عصر رضا شاه از دیگر قتل های سیاسی این دوره شگفت آورتر و هم پیچیده تر است. به این معنا که به هیچ وجه نمی توان آن را همانند؛ دیگر قتل های سیاسی این دوره بر اساس ظن و هراس شاه از اقتدار کسانی که به دستور وی کشته شده اند تحلیل و تفسیر کرد. نخستین وزیر دربار عصر پهلوی در شرایطی به دست پزشک احمدی سپرده شد که به عنوان مرد امین شماره دو دستگاه سلطنت توانسته بود، طی همراهی با شاه از شرایط جدید جهانی و منطقه ای سود جوید و با جسارت و شجاعت تمام به گفتگو با انگلیسی ها برای اخذ امتیازات مختلف مبادرت ورزد (زرگری، نژاد، ۱۳۸۲). اما به روایت ایراندخت تیمورتاش از قتل پدرش: (۳۰ سپتامبر ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش) به دستور رضا شاه، سرپاس مختاری تیمورتاش را در زندان شماره ۴ قصر در اتاقی حبس نموده بود، و با دریافت خبر سفر کاراخان، دستور قتل او را صادر می کند.

سریاس مختاری (معاونت وقت شهربانی) دو نفر از آدم کش های مخصوص، را مأمور اجرای این قتل می کند (پورشالچی، ۱۳۸۴).

اما در خصوص نحوه مرگ تیمورتاش روایتی است، مبنی بر اینکه مرگ او با تزریق آمپول هوا بوده است که حتی؛ تیمورتاش در صدد مقاومت برای حفظ جاناش پزشک احمدی را گاز گرفته است. سرانجام با دخالت پاسبان ها دست از تلاش برداشته تسلیم مرگ شده و جنازه اش را کشتان کشتان به کف سلول منتقل و در حالیکه چهره اش کبود شده بود، رها ساختند که آیرم در بازگشت، به صحنه جنایت با ژستی پیروزمندانه و خیلی کوتاه اظهار داشت " کار تمام شد، کار تمام شد" این مساله پس از تحمل ۹ ماه حبس، در شب (۹ مهر ماه ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳ م) ساعت ۱۱:۳۰ شب اتفاق افتاده، است (پورشالچی، ۱۳۸۴).

جسد تیمورتاش بصورت پیچیده در پارچه را به عنوان جنازه پدر به فرزندان نشان می دهند و اجازه غسل و مجوز شرکت افراد در مراسم تدفین او را هم نمی دهند (پورشالچی، ۱۳۸۴). تیمورتاش را بدون هیچگونه تشریفات و بدون سر و صدا در امامزاده عبدالله دفن می کنند (جائزاده، ۱۳۸۲). سه روز از خاکسپاری تیمورتاش می گذرد، اما دولت خبر مرگ او را هنوز مخفی نگه می دارد، معلوم بود روزنامه ها از اعلان این خبر منع شده بودند. یا شایعه کردند که مرگ او بر اثر حمله قلبی بوده است. یکی از خدمتکاران به هنگام اعلام خبر مرگ تیمورتاش گفته بود: که اربابش از خوردن یک حبه قند، فوت کرده است (جائزاده، ۱۳۸۲). خبر فوت، تیمورتاش در روزنامه اطلاعات چنین آمده: تیمورتاش در اثر محکومیت دیوان عالی جزاء محبوس در زندان قصر، در شب گذشته به علت آنژین صدری (عروق کرونر قلب) که به اظهار اطباء به آن مبتلا بوده، فوت نموده است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۱). اگر چه خبر مرگ او تا این لحظه به طور رسمی اعلام نشده بود، طی چند هفته ایشان به شدت بیمار بود و رضا شاه او را در عرض همین مدت به بدترین وضع که برای یک زندانی قابل تصور است، از دنیای خارج جدا کرده و اجازه دیدار اعضای خانواده که سابقاً دیدارش را اجازه داشتند، ممنوع کرده بود. مشکل بتوان حقیقت نفرت شدید رضا شاه را نسبت به او یافت (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹). بر طبق گزارش محرمانه ویکتور مالت به سرجان

سیمون (۱۶ اکتبر ۱۹۳۳ میلادی) در واقع تیمورتاش قربانی مساله فروغی و انگلیسی ها شد انگلیسی ها معتقد بودند تا زمانیکه تیمورتاش بر سر کار باشد هرگونه حصول توافق با ایران ممکن نیست (زرگر، ۱۳۷۲).

ایراندخت تیمورتاش، که بعد از وقایع (شهریور ۱۳۲۰ ش/ ۱۹۴۱ م) دست به تلاشهای فراوان زد تا پرونده قتل پدرش مفتوح و پیگیری گردد، آن را به یکی از پرونده های پر سر و صدا بعد از (شهریور ۱۳۲۰ ش) مبدل کرد که شرح ما وقع در روزنامه رستاخیز به همراه برخی دست نوشته ها و حرفهای تیمورتاش منتشر کرد، از نقش تقی زاده و لطفی و دیگر دستان پشت پرده سخن آورده شده و اینکه آرزوی تیمورتاش این بود داور در مساله دادگاهش دخالت نکند، تا وی مصونیت داشته باشد (مکی، ۱۳۷۵). ایراندخت که با پشتکار فراوان توانست پزشک احمدی را که بعد از وقایع (شهریور ۱۳۲۰ ش) با لباس مبدل به عراق فرار کرده بود، موفق شد او را در بغداد دستگیر و به ایران منتقل کند پزشک احمدی به اعدام محکوم گردید و این حکم اجرا شد (خزیر، ۱۳۹۷).

نتیجه گیری

ما حصل این بحث، در خصوص زندگی سیاسی و عوامل سقوط و قتل تیمورتاش در قامت وزیر دربار (۱۳۱۲-۱۳۰۵ ش) به عنوان شخص دوم مملکت در عصر پهلوی اول، خود یکی از ناشناخته های تاریخ معاصر ایران به ویژه پس از (شهریور ۱۳۲۰) تا به امروز است، که بدون پاسخ باقی مانده است. با بررسی اسناد و مدارک و شواهد تاریخی از منابع مختلف در اثبات فرضیه های مطرح شده و تاثیرگذاری هر یک از این فرضیه ها بر این رخداد تاریخی، سعی شد. از نقش تاثیرگذار تیمورتاش بر جریانها و رخدادهای دوران سلطنت پهلوی اول که مصدر خدمات و چه بسا زیانهای بر ملت ایران گردیده، سخن به اختصار گفته شود. کارنامه سیاسی تیمورتاش خود موافقان و مخالفان بسیاری داشته که خود برخاسته از تعارض منافع عوامل وابسته آلمانی و انگلیسی... در ذیل مطامع دول استعمارگر چون انگلستان است که وجود تیمورتاش را سدی در برابر نیل به امیال استعماری خود می دید.

راهبرد ویژه تیمورتاش در سیاست، نگاه به شرق و نیروی سوم بود. به عبارتی ارتباط با کشورهای غیر متخاصم چون امریکا، آلمان، فرانسه... تا سیاست توازن منفی و تعادلی در برابر مطامع دو بازیگر

ستی حاضر در ایران (انگلیس و شوروی) ایجاد نماید. یعنی ندادن امتیازی سیاسی و اقتصادی به هر یک از طرفین به بهانه ایجاد تعادل در برابر طرف مقابل که بر خلاف دوران قاجاریه که ایران به دلیل سلطه این دو استعمارگر (شوروی و انگلیس) در سیاست توازن مثبت نقش ایفا می نمودند. یا در مسائلی چون قرارداد داری، بحرین، نفت، جزایر سه گانه ایرانی... تا دیگر رقابتهای رجال معاصر همچون: فروغی، تقی زاده، آیرم، لطفی و ... به سبب زد و بندهای پنهان و پیدا با شاه و انگلستان هر یک در سقوط و قتل تیمورتاش نقش و سهم داشته اند. همچنین هراس رضا شاه از آینده ولیعهد نوجوان و طرح اتهاماتی چون: جاسوسی شوروی، رشوه گیری، تبانی در بازار ارز و ... اما آنچه مسلم و متقن است، نمی شود تنها یکی از عوامل تاثیرگذار را علت نهایی در مسئله سقوط و مرگ تیمورتاش قلمداد کرد. اما نقش اتاق فکر رجال وابسته انگلیسی، رقیب تیمورتاش و بی اطلاعی شاه از رخدادهای بین المللی چون بحران و رکود اقتصادی جهانی و کاهش ارزش نفت و به تبع آن ناکامی تیمورتاش در حل مسائل نفت، مهمترین مسئله ملی ایرانیان در قرارداد داری و احقاق حق تاریخی خود بعنوان کاتالیزور در تصمیم نهایی دیکتاتوری رضا شاه، و مغضوب شدن تیمورتاش دست به دست هم دادند تا فرجام نامیمون برای وزیر دربار رقم بخورد و در محکمه ساختگی پهلوی اول به زندان محکوم شود و لاجرم به تیغ بدخواهان به مرگ محکوم گردد. فرجام سخن، با کنکاشی دوباره در بازخوانی کارنامه زندگی سیاسی عبدالحسین خان تیمورتاش، با اسناد و مدارک پژوهشگران، با دعوت به روشنگری و تنویر افکار عمومی و آگاهی بخشی، و فهم حقیقت بتوانیم گامی هرچند کوچک برداریم.

منابع

۱. ابتهاج، ا. (۱۳۵۷). خاطرات ابتهاج (جلد اول). تهران: انتشارات علمی.
۲. احتشامی، م. (۱۳۷۷). (عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار رضا شاه) ارج نامه ایرج محسن باقرزاده (جلد اول). تهران: انتشارات توس.
۳. اداره کل. آرشیو اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور، یعقوب. آژند. (۱۳۷۸). نفت در دوره رضا شاه: تجدید نظر در امتیاز نامه داری (قرارداد ۱۹۳۳) تهران: طبع و نشر.
۴. اعظام قدسی، ح. (۱۳۷۹). خاطرات من (تاریخ صد ساله ایران)، (جلد ۲). تهران: کارنگ.

۵. افشار، ا. (۱۳۷۸). خاطرات سردار اسعد بختیاری (جعفر قلی خان امیر بهادر) تهران: اساطیر.
۶. ایوانف، م. (۱۳۵۶). تاریخ نوین ایران (م. ه. ت. ح. ق. پناه، تهران: نشر اسلو.
۷. آقابگف، ژ. (۱۳۵۷). خاطرات آقابگف (ابوترابیان. حسین)، تهران: پیام.
۸. آوری، پ. (۱۳۷۷). تاریخ معاصر ایران (م. مهرآبادی)، تهران: عطایی.
۹. باژائف، ب. (۱۳۶۴). خاطرات (عنایت. الله. رضا)، تهران: گفتار.
۱۰. بلوشر، و. (۱۳۶۹). سفرنامه (کیکاس. جهاننداری)، تهران: خوارزمی.
۱۱. بهار، م. ت. (۱۳۷۷). تاریخ احزاب سیاسی در ایران (جلد ۱- ۲). تهران: امیر کبیر.
۱۲. بهنود، م. (۱۳۸۰). سه زن. تهران: علم.
۱۳. پورشالچی، م. (۱۳۸۴). قزاق (صعود و سقوط رضاخان بر اساس اسناد وزارت خارجه فرانسه). تهران: مروارید.
۱۴. تقی. زاده، س. (۱۳۷۳). زندگی طوفانی (خاطرات تقی زاده) به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی.
۱۵. تقی. زاده، س. (۱۳۷۹). زندگی طوفانی (ایرج. افشار)، تهران: فردوس.
۱۶. تیمورتاش، ا. (۱۳۲۱). رستاخیز. روزنامه رستاخیز .
۱۷. جانزاده، ع. (۱۳۸۲). خاطرات سیاسی رجال ایران: جانزاده.
۱۸. حقیقی، م. (زمستان ۱۳۸۸). تاملی در رفتارهای سیاسی و فرجام کار عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه. پژوهش نامه تاریخ .
۱۹. خزیر، آ. (۱۳۹۷). زندگی طوفانی من (خاطرات) (ب. ک. ا. افشار)، تهران: فردوس.
۲۰. خواجه. نوری، ا. (۱۳۵۷). بازیگران عصر طلایی. تهران: جاویدان.
۲۱. دشتی، ع. (۱۳۵۴). پنجاه و پنج سال. تهران: امیرکبیر.
۲۲. دیوان. بیگی، ر. (۱۳۴۵). خاطرات سالنامه دنیا. تهران: دنیا.
۲۳. روزنامه. اطلاعات. (۱۳۱۱). اطلاعات. روزنامه اطلاعات .
۲۴. روزنامه. ایران. (۱۳۰۳). روزنامه ایران .
۲۵. زرگر، ا. (۱۳۷۲). تاریخ روابط ایران، انگلیس در عصر رضاشاه (کاوه. بیات)، تهران: پروین و معین.

۲۶. زرگری، نژاد، غ. (۱۳۸۲). تیمورتاش قربانی منافع ایران در خلیج فارس. مجله تخصصی گروه تاریخ، ۵(۴).
۲۷. زرگری، نژاد، غ. (۱۳۸۴). تیمورتاش قربانی منافع ایران در خلیج فارس. مجله تخصصی گروه تاریخ، ۵(۴)، ۱۱۲-۱۳۷.
۲۸. زرنیسکی، م. (۱۳۸۳). الغای قرارداد کاپیتولاسیون توسط رضاشاه. تهران: جامی.
۲۹. شیخ الاسلامی، ج. (۱۳۶۰). شیوه کاربرد اسناد در پژوهش های تاریخی. آینده مجله، ۸(۱۱).
۳۰. شیخ الاسلامی، ج. (۱۳۷۹). صعود و سقوط تیمورتاش. تهران: توس.
۳۱. طلوعی، م. (۱۳۷۹). بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست. تهران: توس.
۳۲. عاقلی، ب. (۱۳۷۷). تیمورتاش در صحنه سیاست ایران، (چاپ سوم). تهران: ناشر بدرقه جاویدان.
۳۳. عاقلی، ب. (۱۳۹۰). نخست وزیران ایران. تهران: انتشارات جاویدان.
۳۴. عاقلی، ب. (۱۳۹۷). تیمورتاش در صحنه سیاست ایران. تهران: جاوید.
۳۵. عامری، ه. (۱۳۸۸). از رضاشاه تا محمدرضاشاه. تهران: پارسه.
۳۶. عمیدی، نوری، ا. (۱۳۸۱). یاد داشتهای یک روزنامه نگار، تحولات نیم قرن تاریخ معاصر از نگاه امید نوری (ب. ک. ف. مدیری. جلد دوم). تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳۷. غنی، س. (۱۳۸۰). برآمدن رضاخان و برافتادن قاجارها و نقش انگلیسیها (کامشاد، حسن)، تهران: نیلوفر.
۳۸. فاتح، م. (۱۳۵۸). پنجاه سال نفت ایران. تهران: پیام.
۳۹. فردوست، ح. (۱۳۷۱). ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (جلد ۱-۲). تهران: اطلاعات.
۴۰. فلاح، زاده، س. (۱۳۹۱). رضاخان و توسعه ایران. تهران: فرهنگ و اندیشه.
۴۱. کرونین، ا. (۱۳۸۴). رضاشاه و شکل گیری ایران نوین (مرتضی، ثاقب، فر)، تهران: جامی.
۴۲. گلشانیان، ع. (۱۳۷۷). گذشته های زندگی یا (خاطرات من) (جلد ۱). تهران.
۴۳. مجید، م. (۱۳۹۹). رضاشاه و بریتانیا (براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا) (امیری، مصطفی، چاپ دوم). تهران: موسسه مطالعات پژوهشهای سیاسی.

۴۴. محمدی، ح. (پاییز ۱۳۸۸). تیمورتاش و رضاشاه، تاملی در علل صعود و سقوط تیمورتاش. فصلنامه گنجینه اسناد، ۷۵.
۴۵. محمود، م. (۱۳۶۰). تاریخ روابط ایران و انگلیس در زمان رضاشاه. تهران: شرکت اقبال و شرکاء.
۴۶. مسعودی، (۱۳۶۹). اطلاعات. روزنامه اطلاعات.
۴۷. معتضد، خ. (۱۳۶۶). پلیس سیاسی. تهران: انتشارات جانزاده.
۴۸. معتضد، خ. (۱۳۸۵). از سوادکوه تا ژوهانسبورگ. تهران: ثالث.
۴۹. مکی، ح. (۱۳۶۱-۱۳۶۲). تاریخ بیست ساله ایران (جلد ۶ و ۷). تهران: انتشارات ناشر.
۵۰. مکی، ح. (۱۳۷۵). تاریخ بیست ساله سیاسی ایران. تهران: علمی.
۵۱. موحد، م. ع. (۱۳۸۴). خواب آشفته نفت، دکتر مصدق و نهضت ملی ایران. تهران: کارنامه.
۵۲. مهدوی، ع. (۱۳۷۸). صحنه‌هایی از تاریخ معاصر ایران. تهران: علمی.
۵۳. هدایت، م. ق. خ. (۱۳۶۱). خاطرات و خطرات. تهران: زوار.
۵۴. هدایت، م. ق. خ. (۱۳۷۵). خاطرات و خطرات. تهران: نشر زوار.